



An Analytical Review of the Ideas of Sunni and Shi'ite Qur'anic Researchers on the Implications of the 219th Verse of Surah ash-Sho'arā' about the Monotheism of the Prophet's Ancestors (PBUH) and His Holy Ahl al-Bayt (PBUH)

Ali Mohammadi Āshnāni* | Akram Nātiq** | Hossayn Alavi Mehr***

Received: 2020/8/2 | Accepted: 2021/2/21

Abstract

Shi'ite and many Sunni scholars, based on rational and traditional arguments, recognize that the ancestors of the Holy Prophet of Islam have been believers; one of the evidences in this regard is the 219th verse of Surah ash-Sho'arā' saying "And thy movements among those who prostrate". The present study, using descriptive analysis, reviews the ideas of 114 Sunni and Shi'ite exegeses and categorizes them in 4 viewpoints: The first view believes that the content of the verse refers to conducting Roku' and Sojud by the Prophet (PBUH) during congregational prayer; the second view holds that the verse denotes the Prophet sees his companions behind him during congregational prayer. However, these two interpretations perceive the verse to be away from the basic subject in discussion. The third view states that the Sājedin (those who prostrate), with reference to the traditions, are Ahl al-Bayt; and the fourth view that is accepted by most of Sunni and Shi'ite commentators interprets that based on in-text evidence such as the implication of the words and the synthesis of the sentence as well as out-text evidence such as the narrations trusted by the early companions and commentators, the meaning of the verse confirms the lineage transmission of the Prophet (PBUH) from his believer ancestors who were prostrating. The authors' review indicates that, based on the evidences and reasons, it is appropriate to infer monotheism of the Prophet's ancestors (PBUH) as the evident meaning or one of the meaning aspects of the verse relying on the potentiality of the words connoting more than a single interpretation. Moreover, the 3rd view has alignment, semantic contradiction and evidence expansion with that.

Keywords: The 219th Verse of Surah ash-Sho'arā', Movements among Those Who Prostrate, Monotheism of the Prophet's Ancestors, Monotheism of the Prophet's Ancestors and His Holy Ahl al-Bayt (PBUH), Sunni and Shi'ite Exegeses



* Assistant Professor at the University of the Noble Qur'an's Sciences and Theology, Tehran, Iran (Corresponding Author) | dr.mohammadi.quran@gmail.com

** Student in Level 4, Higher Education Institute of Ma'sumia Qom, Isfahan, Iran | akramnategh9@gmail.com

*** Associate Professor at Jami'a al-Mustafā al-Ālamia, Qom, Iran | alavimehr@gmail.com

□ Mohammadi Āshnāni, A; Nātiq, A; Alavi Mehr, H (2021) An Analytical Review of the Ideas of Sunni and Shi'ite Qur'anic Researchers on the Implications of the 219th Verse of Surah ash-Sho'arā' about the Monotheism of the Prophet's Ancestors (PBUH) and His Holy Ahl al-Bayt (PBUH). *Biannual Journal of Comparative Exegetical Researches*, 7 (13) 59-81 . Doi: 10.22091/PTT.2020.4669.1608





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بررسی تحلیلی آراء قرآن پژوهان فریقین در دلالت آیه ۲۱۹ سورة شعراء بر یکتاپرستی نیاکان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)

علی محمدی آشنانی* | اکرم ناطق** | حسین علوی مهر***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳

چکیده

اندیشه‌وران شیعی و اغلب اهل سنت، بر اساس دلایل عقلی و نقلی، اجداد پیامبر گرامی اسلام را مؤمن دانسته‌اند. یکی از دلایل، آیه ۲۱۹ سورة شعراء است که می‌فرماید: *وَقُلُّبُكْ فِي السَّاجِدِينَ*. پژوهش پیش‌رو، با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی آراء ۱۱۴ تفسیر از فریقین، پرداخته و آن‌ها را در چهار دیدگاه، بازشناسانده است. دیدگاه نخست، مفاد آیه را انجام دادن رکوع و سجود پیامبر (ص) در نماز جماعت؛ و دیدگاه دوم آیه را اشاره به رؤیت اصحاب پشت سر خود، به هنگام نماز توسط پیامبر می‌داند. این دو دیدگاه، آیه را به دور از موضوع بحث دانسته‌اند. دیدگاه سوم، مراد از ساجدان را با استناد به روایات، اهل بیت (ع) شناسانده و دیدگاه چهارم نیز که رأی اغلب مفسران فریقین است، با استناد به شواهد درون متنی هم چون دلالت واژگان و ترکیب جمله، و نیز شواهد برون متنی نظیر روایات مورد اعتماد صحابیان و مفسران متقدم، معنای آیه را ناظر به انتقال نسلی پیامبر (ص) در اصلااب اجداد مؤمن اهل سجده، معرفی کرده است. بررسی نگارندگان، نشان می‌دهد که بر اساس شواهد و دلایل، استظهار موحّد بودن اجداد پیامبر (ص) به عنوان معنای اظهر یا یکی از وجوه معنایی آیه بر اساس امکان حمل الفاظ بر بیش تر از معنای واحد، رواست و دیدگاه سوم نیز با آن هم‌سویی، تعاضد معنایی و توسعه مصداقی دارد.

کلیدواژگان: آیه ۲۱۹ سورة شعراء، تقلب در ساجدین، موحّد بودن اجداد پیامبر (ص)، یکتاپرستی نیاکان پیامبر و اهل بیت (ع)، تفاسیر فریقین.



* استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران (نویسنده مسئول) | dr.mohammadi.quran@gmail.com

** دانش پژوه سطح ۴، موسسه آموزش عالی معصومیه قم، اصفهان، ایران | akramnategh9@gmail.com

*** دانشیار جامعة المصطفی العالمیة، قم، ایران | alavimehr@gmail.com



۱. مقدمه

در تفاسیر روایی شیعه و اهل سنت و برابر روایات فریقین در ذیل آیه ۲۱۹ سوره شعراء، وجه منحصر یا وجه اغلب و یا دست کم یکی از وجوه تفسیری آیه شریفه «وَتَقَلُّبُكَ فِي السَّاجِدِينَ» مقصود از «تقلب» را تنقل یا انتقال یافتن وجود مبارک پیامبر، از نظر نسلی، در طول تاریخ از انسان‌هایی مؤمن، بلکه در اصلاص پیامبران الهی پیشین، معرفی می‌کند. این آراء تفسیری و مستندات روایی آن، با عقیده کلامی شیعه مبنی بر «لزوم موحد بودن پدران و اجداد پیامبر (ص) و امامان اهل بیت (ع)»، هم‌خوانی بلکه بر آن دلالت دارد (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ج ۳۲، ص ۳۰۴؛ قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۱۲۵؛ شبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۰۳)؛ البته در پاره ای از تفاسیر، این رأی به شیعیان، نسبت داده شده است (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۸۵). برخی نیز با پاسخ‌گویی به دلایل، به گونه‌ای با آن مخالفت ورزیده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۵۳۷؛ نظام الاعرج، ۱۴۱۶ق، ج ۸، ص ۱۹۸). اکنون پرسش آن است که استناد موحد بودن اجداد پیامبر به آیه فوق و دلایل ذکر شده در تفاسیر، تا چه حد از اتقان برخوردار است؟ این تحقیق با واکاوی ۱۱۴ تفسیر فریقین، به روش توصیفی-تحلیلی، به تحلیل نقدی آراء مفسران پرداخته و یافته‌های خود را پیش رو نهاده است.

پیشینه پژوهش

در موضوع یکتاپرستی اجداد پیامبر و امامان اهل بیت (ع)، کتبی همچون ایمان/ابی طالب شیخ مفید (ره) و نیز مقالاتی هم‌چون مقاله «ایمان والدین پیامبر و ابوطالب در نگاه شیعه و اهل سنت»، نوشته عبدالرحیم رضاپور (۱۳۹۰)، *اندیشه تقریب*، سال هفتم، شماره ۲۷؛ «عقد الانامل در اثبات ایمان ابوطالب»، نوشته حمید سلیم گندمی (۱۳۹۴)، *سفینه*، سال ۱۲، شماره ۴۷، ص ۱۶۵-۱۸۴؛ «مروری بر دیدگاه‌های عماد عبدالکریم سرور شافعی در باب ایمان ابوطالب»، نوشته مهدی مجتهدی (۱۳۹۴)، *سفینه*، شماره ۴۷، ص ۳۴-۶۱؛ «ایمان اجداد رسول خدا»، نوشته سید محمود مدنی (۱۳۸۲)، *میقات حج*، شماره ۴۴؛ «تحلیل ادبی-تاریخی و شرح بر القصیده الغرّاء فی ایمان ابی طالب شیخ البطحاء اثر احمد خیری»، نوشته باقر قربانی زرین (۱۳۹۴)، *سفینه*، شماره ۴۸، ص ۲۲-۴۵ و ... نگاشته شده که دارای رویکردهای

تاریخی و کلامی هستند و اغلب به بررسی نظریه‌های موجود در فریقین پرداخته‌اند؛ ولی در زمینه نقد و بررسی آراء مفسران در ذیل آیه ۲۱۹ سوره شعراء، مقاله‌ای وجود ندارد.

۲. شناخت مفردات آیه

برای فهم آیه مبارکه *الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ وَتَقْلَبُكَ فِي السَّاجِدِينَ* و مقصود و مراد آن، ناگزیر هستیم که معانی لغات آن را دریابیم. از آن جا که آیه ۲۱۹ سوره شعراء، محل استشهاد مفسران است، نخست واژگان آن بررسی می‌گردد.

۳. شناخت واژگانی:

۱. تقلب، مصدر باب تفاعل از ریشه قلب به معنای تصرف و گردیدن است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۵ق، ص ۶۸۱). به گفته لسان العرب، قلب، برگرداندن چیزی از وجه خودش می‌باشد. بدین سان تقلب در امور و در بلاد، به معنای تصرف و دگرگونی در آن است به کیفیتی که می‌خواهد، و «تقلب» به عنوان ظاهری برای باطن است و جنبی در کنار جنب دیگر است، یعنی تحول و دگرگونی. (ابن منظور، بی تا، ج ۱، ص ۶۸۵)

۲. ساجدین صیغه جمع، اسم فاعل از ماده سجد به معنای خم شدن و تذلل، خضوع و اظهار فروتنی است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۵ق، ص ۳۹۶). بدین سان ساجدین به معنای سجده کنندگان و خضوع کنندگان در برابر خداوند است.

۳. ترجمه *وَقْلَبُكَ فِي السَّاجِدِينَ*

برخی از لغت‌شناسان، پس از تبیین معنای لغت‌ها، آیه را چنین ترجمه کرده‌اند؛ یعنی تو را برای تهجد می‌بیند و مراد از ساجدین، نمازگزاران هستند و تقلب حضرت در بین نمازگزاران، به معنای تصرف حضرت در بین ایشان است به قیام و رکوع و سجود و نشستن، آن زمان که ایشان را امامت می‌کند و گفته شده معنای آن این است که خدا حرکت داد تو را در اصلااب مؤمن تا این که خارج کرد تو را. شیخ ابوعلی گفت: «و این معنای اخیر، از ائمه هدی (ع) نیز روایت شده است». (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۱۴۷)

گرچه برخی از مترجمان نیز در ترجمه این جمله، چنین نگاشته‌اند: و هم‌چنین حرکت و گشتن تو را در میان سجده کنندگان می‌بیند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۳۷۶؛ فولادوند،

۱۳۸۵، ص ۳۷۶) ولی برخی دیگر در ترجمه چنین نوشته‌اند: گردیدن تو را در (اصلاب و پشت‌های) سجده‌کنندگان (خداپرستان) می‌نگرد. (فیض الاسلام، بی‌تا، ص ۹۸۵) و مرحوم الهی قمشه‌ای نوشته است: «و به انتقال تو در اهل سجود (و به دوران تحولت از اصلاب شامخه به ارحام مطهره) آگاه است. (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰، ص ۳۷۶) که می‌توان گفت بر اساس آنها، آیه بر موحد بودن اجداد پیامبر، دلالت دارد.

۴. آراء مفسران

مفسران برای تبیین مقصود از *وَتَقْلِبْكَ فِي السَّاجِدِينَ*، آراء مختلفی را ابراز کرده‌اند؛ البته بعضی از مفسران، دو یا چند معنا را با هم یا به صورت احتمال یا با تعبیر «قیل=گفته شده» ذکر نموده‌اند:

۴-۱- عده‌ای از مفسران فریقین، مقصود از آیه مبارکه را دیدن خداوند، آن حضرت را در میان سجده‌کنندگان معرفی نموده‌اند. از میان مفسران اهل سنت، طبری، بیضاوی، سیوطی، آلوسی و... بر این رأی هستند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۹، ص ۷۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۳ق، ج ۷، ص ۱۸۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۵۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۹۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۱۳۴؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۲۰۷؛ مراغی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۱۱۱، خواجه عبدالله انصاری، ۱۳۷۱ش، ج ۷، ص ۱۶۵). نیز برخی از مفسران شیعی هم‌چون: شیخ طوسی، طبرسی، علامه طباطبایی و مکارم شیرازی، این رأی را ابراز داشته‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۶۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۳۲۳؛ استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۹۲؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۹؛ شبر، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۴۰۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۴۹۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۵، ص ۴۷۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۵، ص ۳۶۹). این رأی بر اساس ظاهر معنای لفظ، برگزیده شده است. دلیل آنان نیز معنای ظاهر واژگان آیه کریمه است.

۴-۲- برخی از مفسران فریقین، مقصود از «تقلبک» را دیدن سجده‌کنندگان پشت سر خویش، توسط پیامبر دانسته‌اند. از میان مفسران اهل سنت، فخر رازی و ثعلبی، آن را اختیار نموده‌اند (ثعلبی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۱۸۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۵۳۷) و میدی نیز آن را با مستند روایی ذکر کرده است (میدی، ۱۳۵۲ش، ج ۷، ص ۱۶۵). گفتنی است مفسران اهل سنت، مستند این رأی را پاره‌ای از روایات صحابیان، ذکر نموده‌اند؛ هم‌چون روایت

قتاده یا حماد بن ثابت به نقل از انس بن مالک، از رسول خدا (ص) که فرمود: «احسنوا الركوع والسجود، اذا ما رکعتم و اذا ما سجدتم، و الذی نفسی بیده إنی لأراکم من بعد ظهري كما أراکم من بین یدی؛ رکوع و سجده خود را به نیکویی انجام دهید؛ سوگند به خداوندی که جانم در دست اوست! من شما را از پشت سر می بینم، همان گونه که در مقابلم شما را می نگرم». (ثعلبی، ۱۴۲۳ق، ج ۷، ص ۱۸۳؛ قیروانی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۵۲۹)

از میان مفسران شیعی نیز طبرسی، فیض کاشانی، بحرانی و... این رأی را ذکر نموده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۵۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۹؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۱۹). البرهان نیز در تأیید این رأی، به روایاتی هم‌چون روایت امام باقر (ع) به نقل از رسول الله (ص) استناد کرده که آن حضرت فرموده است: «لا ترفعوا قبلي ولا تضعوا قبلي فأنی أراکم من خلفي كما أراکم من امامي (ثم تلا هذه الآية) قبل از من بلند نشوید و فرود نیایید؛ چون من شما را از پشت سرم نیز می بینم، همان گونه که افراد جلوی رویم را می نگرم»؛ (سپس آیه پیش گفته را تلاوت فرمود). (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۸، ص ۶۹) البته روایاتی مشابه از امام صادق نیز نقل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۳۲۳ - ۳۲۴). گفتنی است برخی از تفاسیر شیعی هم‌چون تفسیر نمونه، به دلیل این گونه روایات، گرچه آن را اختیار ننموده‌اند، این معنا را به صورت احتمالی، از معنای بطنی آیه و نه مفاد ظاهر آیه دانسته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۵، ص ۳۷۰)

۳-۴- برخی از مفسران شیعی به ویژه در تفاسیر روایی، به استناد روایات، معتقدند که در آیه، اصحاب کساء و اهل بیت (ع) نیز مراد هستند. استرآبادی در *تاویل الايات الطاهرة فی فضایل العتره الطاهره* نیز بحرانی در *البرهان*، با نقل روایتی از امام باقر (ع) مراد از ساجدین را امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام دانسته‌اند (عَنْ أَبِي الْجَازُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ * وَ تَقَبَّلَكَ فِي السَّاجِدِينَ*؛ قَالَ فِي عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ). (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۹۲؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۹۱) در تفسیر روایی *البرهان*، افزون بر نقل روایت فوق، روایت دیگری به نقل از بابویه از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند:

«سَلِّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيْنَ كُنْتَ وَآدَمُ فِي الْجَنَّةِ؟ قَالَ: «كُنْتُ فِي صَلْبِهِ وَهَبَطَ إِلَى الْأَرْضِ وَأَنَا فِي صَلْبِهِ، وَرَكِبْتُ السَّفِينَةَ فِي صَلْبِ أَبِي نُوحٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، وَقَذِفَ بِي فِي النَّارِ فِي صَلْبِ أَبِي إِبْرَاهِيمَ، لَمْ يَلْتَقِ لِي أَبَوَانِ عَلَى سِفَاحِ قَطُ، لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَنْقُلُنِي مِنَ الْأَصْلَابِ الطَّيِّبَةِ، إِلَى الْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ، هَادِيًا مُهْدِيًا، حَتَّى أَخَذَ اللَّهُ بِالتَّبَوَّةِ عَهْدِي وَبِالْإِسْلَامِ مِيثَاقِي وَبَيَّنَّ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ صِفَتِي وَاتَّبَتْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ ذِكْرِي، وَرَفَى بِي إِلَى سَمَائِهِ، وَشَقَّ لِي أَسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ، أُمِّي الْحَامِدُونَ، وَذُو الْعَرْشِ مَحْمُودٌ وَأَنَا مُحَمَّدٌ وَاللَّهُ الْأَعْلَى وَهَذَا عَلَيَّ مِنْ حَضْرَتِ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَوال شد: آن زمان که آدم در بهشت بود، شما کجا بودید؟ فرمود: من در صلب او بودم و وقتی هبوط کرد هم در صلب او بودم و در کشتی نوح در صلب پدرم نوح بودم و آن زمان که پدرم ابراهیم در آتش انداخته شد، من در صلب ابراهیم بودم و پیوسته از اصلا ب پاک به ارحام مطهر منتقل شدم؛ هدایت گر و هدایت یافته تا خداوند عهد نبوت را از من گرفت... و من محمد هستم و خداوند، اعلی است و این علی است».

بدین سان او سجده کنندگان را با استناد به روایات، افزون بر معنای پیامبر، شامل اهل بیت (ع) نیز می‌داند (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۹۱-۱۹۲). ملامحسن فیض کاشانی نیز در تفسیر صافی، این گونه روایات را آورده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۵۴). مرحوم استرآبادی نیز پس از نقل این روایات می‌گوید:

"این مطلب از آن چیزهایی است که تأیید می‌کند که عبدالله و ابوطالب، موحد بودند؛ ابوعلی رحمت الله علیه به نقل از ابن عباس می‌گوید: «و (خدا می‌بیند) تصرف و حرکت تو را در صلب‌های موحدان از صلب یک نبی به صلب نبی دیگر تا این که تو را به صورت یک نبی خارج کرد» و این مطلب از ابی جعفر و امام صادق علیهما السلام نیز نقل شده است که فرمودند: «تَقْلِبَكَ فِي أَصْلَابِ النَّبِيِّينَ نَبِيٍّ بَعْدَ نَبِيٍّ حَتَّى أَخْرَجَهُ مِنْ صَلْبِ أَبِيهِ مِنْ نِكَاحٍ غَيْرِ سِفَاحٍ مِنْ لَدُنْ آدَمَ (ع)». مثل این روایت از ابی جارود نیز نقل شده است که گفت: «سوال کردم از اباجعفر (ع) از سخن خداوند (*و تقلبک فی الساجدین*) فرمودند: خدا می‌بیند حرکت حضرت (ص) را در صلب‌های نبیین از یک نبی به نبی دیگر تا این که خارج کرد او را از صلب پدرش از نکاح بدون زنا از نزد حضرت آدم (ع)». آن گاه این روایات را مؤید موحد بودن پدر آن حضرت، عبدالله و پدر امام علی (ع)، ابوطالب معرفی می‌کند. " (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۹۲-۲۹۳)

۴-۴- تعداد زیادی از مفسران فریقین، تقلب در ساجدین را به معنای «تنقل» و ناظر به انتقال پیامبر (ص) از اصلااب اجداد موحد یا از صلب یک نبی به انبیای بعدی تا پدر ایشان معرفی نموده‌اند. *التفسیر القرآنی للقرآن*، با انتساب این رأی به اکثریت مفسران، می‌گوید: «اعتقاد اکثر مفسران به تفسیر نقل یافتن پیامبر از صلب پدران مؤمن به رحم‌های پاک است». (عبدالکریم خطیب، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ص ۸۶)

مفسران بسیاری از اهل سنت، این رأی را یا بر اساس دیدگاه تفسیری خود، یا به نقل صحابیانی هم‌چون: ابن عباس، عطاء، عکرمه و... یا بر اساس روایات منقول، یا به نقل از تفاسیر شیعی، ابراز داشته‌اند. (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۳۶۵؛ جرجانی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۳۹۹؛ کاشانی، فتح‌الله، ۱۳۶۳ش، ج ۶؛ کاشانی، محمدبن مرتضی، ۱۴۱۰ق، ص ۹۹۴؛ ابن ابی جامع، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۴۳؛ سلطان علیشاه، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۳۶۵؛ نهاوندی، ۱۳۸۶ش، ج ۴، ص ۵۵۲؛ امین، ج ۹، ص ۲۹۴؛ شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۰۳؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۷۰؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۲۸۲۸؛ ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۰۰؛ ابن جوزی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۳۵۰؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۱۹۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۹۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۱۵۵؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۶۷؛ ابن عاشور، ۱۳۶۹ش، ج ۱۲، ص ۲۱؛ عبدالسلام، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۳۴؛ خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۳۴) برای نمونه، آلوسی در تفسیر *روح المعانی*، به نقل از ابن عباس می‌گوید: «تقلبک فی الساجدین، یعنی انتقال یافتن حضرت رسول (ص) در اصلااب مؤمنان». (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۱۳۵)

نویسنده تفسیر تحلیلی، از علمای اهل سنت نیز نخست از عطاء از ابن عباس چنین نقل می‌کند:

«خداوند اراده کرده انتقال او را از صلب پیامبری به صلب پیامبری دیگر. اولی در تأویل، این است که گفته شود: گردانده شدن تو از اصلااب پدران طاهر سجده‌کننده برای خداوند، به ارحام مادران پاک سجده‌کننده و از ارحام آنان، به اصلااب پدران طاهر، یعنی پدران و مادرانی یکتاپرست! تا این آیه دلالت کند بر آن که آباء پیامبر (ص)، همگی از مؤمنان بوده‌اند و روایت بخاری در صحیح نیز مؤید آن است». (مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۸۹)

هم‌چنین صاحب تفسیر *بیان المعانی*، این رأی را برگزیده، می‌گوید:

"مراد از ساجدین، انبیا و مؤمنان هستند و این آیه، بر ایمان پدر و مادر پیامبر (ص) دلالت می‌کند؛ همان‌طور که بسیاری از بزرگان به این مطلب، قایل شده‌اند."
وی سپس به نقل از آلوسی می‌گوید:

«من از کفر، بر کسی که غیر از این سخن را درباره پدر و مادر پیامبر (ص) بزنند، می‌ترسم و التفاتی نیست به قول کسی که آن [روایات] را ضعیف می‌شمارد؛ چون قولش ناشی از ضعف ایمانش هست؛ بنابر این که پدر و مادر پیامبر (ص) از اهل فترت هستند و اهل فترت، بنابر قول صحیح راجح، اهل نجات هستند؛ به دلالت آیه *وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا* (اسراء: ۱۵) (آل‌غازی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۳۰۲)

صاحب‌التفسیر المظهری از علمای اهل سنت نیز به نقل از عطاء از ابن عباس، این رأی را مطرح و آن را تأویل نموده، ولی بهتر می‌داند به گونه‌ای معنا شود که دلالت کند همه اجداد پیامبر، مؤمن بوده‌اند و روایت بخاری در صحیح را مؤید آن دانسته است (پانی‌پتی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۸۹). گفتنی است برخی از مفسران اهل سنت، این دیدگاه را به نقل از دیگران، با تعبیر "قیل"، مطرح ساخته‌اند، یا آن را به شیعه منتسب کرده‌اند. (قشیری نیشابوری، ۴۳۴ق، ج ۳، ص ۲۱؛ ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۰۰؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۳۴)

از مفسران شیعه نیز بسیاری این رأی را برگزیده یا آن را با انتساب به شیعه ذکر کرده‌اند. (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۶۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۳۴۴؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۰۴؛ استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۹۲؛ کاشانی، ۱۳۶۳ش، ج ۶، ص ۴۵۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۵۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۶۹؛ بحرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۱۹۰؛ صادقی طهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۲، ص ۱۱۹؛ طیب، ۱۳۸۷ش، ج ۱۰، ص ۹۹؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵ش، ج ۷، ص ۴۱۹؛ سید کریمی حسینی، ۱۳۸۲ش، ص ۳۷۶)

دلایل دیدگاه چهارم:

۱. برخی با استناد به ظاهر، معنای واژگان و سیاق آیه، آن را اشاره به موحد بودن آباء پیامبر دانسته‌اند؛ برای نمونه می‌توان از میان اهل سنت، مظهری (مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۸۹) و از میان شیعه، شیبانی و ابن شهر آشوب را نام برد. (شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۰۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ش، ج ۲، ص ۱۵۶)

۲. چنان که گفته آمد، مفسران بسیاری، با استناد به روایات، این رأی را مدلل ساخته‌اند. بعضی از مفسران اهل سنت نیز این روایات را ذکر و بر آن‌ها اعتماد کرده‌اند. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۹۸) چنان که برخی از مفسران شیعی هم چون: طبرسی، فیض کاشانی و... نیز این رأی را بر اساس روایات، مستند ساخته‌اند (طبرسی ۱۴۱۲، ص ۳۲۳؛ استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۰۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۵۷؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۶۹؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۹۰)؛ برای نمونه، تفسیر قمی و تفسیر صافی، از امام باقر (ع) چنین نقل کرده‌اند:

«قال الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ فِي النَّبُوءَةِ وَتَقْلُبُكَ فِي السَّاجِدِينَ قَالَ فِي أَصْلَابِ النَّبِيِّينَ»؛ یعنی "الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ"، خداوندی که تو را می‌نگرد، آن گاه که در نبوت، قیام می‌کنی و "تَقْلُبُكَ فِي السَّاجِدِينَ" یعنی در اصلاص پیامبران، انتقال می‌یابی.

مجمع‌البیان نیز از امام محمد باقر و امام صادق (ع) چنین نقل نموده است:

«تَقْلُبُكَ فِي أَصْلَابِ النَّبِيِّينَ نَبِيٍّ بَعْدَ نَبِيٍّ حَتَّى أَخْرَجَهُ مِنْ صُلْبِ أَبِيهِ مِنْ نِكَاحٍ غَيْرِ سِقَاحٍ مِنْ لَدُنْ آدَمَ (ع)» پیامبر در صلب‌های پیامبران از یک پیامبر به نبی دیگر منتقل شد تا این که خداوند حضرت را از صلب پدرش از نزد آدم علیه‌السلام تا آن، از راه ازدواج، خارج کرد.

برابر سخن وی، ابی‌الجارود می‌گوید:

از امام باقر در باره معنای آیه *وَتَقْلُبُكَ فِي السَّاجِدِينَ* پرسیدم، فرمود: «يَرَى تَقْلُبُهُ فِي أَصْلَابِ النَّبِيِّينَ مِنْ نَبِيٍّ إِلَى نَبِيٍّ حَتَّى أَخْرَجَهُ مِنْ صُلْبِ أَبِيهِ مِنْ نِكَاحٍ غَيْرِ سِقَاحٍ مِنْ لَدُنْ آدَمَ (ع)»؛ خداوند می‌بیند انتقال پیامبر را از اصلاص پیامبران؛ از پیامبری به پیامبر دیگر تا از نسل پدرش به دنیا آمد به صورت طاهر و بدون بزهکاری». (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۹۲)

صاحب‌نور الثقلین، پس از اشاره به روایات مجمع و منابع اهل سنت، روایت دیگری را نیز نقل می‌کند:

«عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي رِوَايَةٍ عَظْمَاءَ وَعُكْرِمَةَ، وَهُوَ الْمَرْوِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَا: فِي أَصْلَابِ النَّبِيِّينَ نَبِيٍّ بَعْدَ نَبِيٍّ حَتَّى أَخْرَجَهُ مِنْ صُلْبِ أَبِيهِ عَنْ نِكَاحٍ غَيْرِ سِقَاحٍ مِنْ لَدُنْ آدَمَ». (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۶۹)

علامه طباطبایی نیز در مباحث تفسیری، در مورد این رأی سخن نگفته است، اما در بحث روایی، این دیدگاه را مطرح ساخته و به نقل از مجمع‌البیان، مستندات روایی آن را نقل

کرده که این روایت را غیر از طبرسی از راویان شیعه، سیوطی نیز در *درالمشور* نقل نموده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۵، ص ۵۷۷)

۳. افزون بر شواهد و قراین لفظی و مستندات روایی، در منابع تفسیری اهل سنت، به فهم صحابی‌ان نخستین هم‌چون: ابن عباس، عطاء، عکرمه و... از آیه شریفه نیز استدلال شده است که با توجه به نزدیک بودن آن‌ها به عصر نزول به ویژه با تأیید شدن فهم آن با روایات نبوی و اهل بیت، می‌تواند قرینه و مؤید دیگری بر این دیدگاه تلقی شود.

۵. نقد و بررسی آرای مخالفان دلالت آیه، در تفاسیر فریقین

برخی از تفاسیر فریقین، با این که قبول دارند اجداد پیامبر (ص) هرگز مشرک نبوده‌اند، دلالت این آیه بر آن را نپذیرفته‌اند؛ برای نمونه، از میان اهل سنت، صاحب *روح المعانی* می‌گوید:

«و بر آیه استدلال شده بر ایمان پدر و مادر پیامبر (ص)، همان طور که بسیاری از بزرگان اهل سنت به آن معتقد هستند، اما من قایل به حجیت آیه بر این مطلب نیستم، ولی بر کفر کسی که به عکس این مطلب درباره والدین پیامبر (ص) معتقد است، می‌ترسم». (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۰، ص ۱۳۴)

از میان شیعیان نیز محمدجواد مغنیه در *الکاشف*، این تفسیر «انتقال در اصلاّب» را قول شیعه امامیه معرفی کرده، می‌گوید:

«تمام پدران پیامبر (ص) یکتاپرست بودند؛ از جمله دلایل آن‌ها همین آیه است؛ چه آنان می‌گویند: منظور این آیه، آن است که پیامبر (ص) در صلب‌های یکتاپرستان نمازگزار بوده است. ظاهر آیه، هم این معنا را برمی‌تابد و هم تفسیر کسی را که می‌گوید: ای محمد! خداوند تو را با نمازگزاران می‌بیند؛ البته ظاهر سیاق، بر این تفسیر دوم دلالت دارد، نه بر تفسیر نخست. (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۵، ص ۸۵۰-۸۵۱)

وی در *التفسیر المبین* خود نیز بر همین رأی تأکید می‌ورزد:

«بنابر اخبار، بعضی تفسیر به "تقلب در اصلاّب النیین" کرده‌اند ولی گفته‌اند: سیاق این را نمی‌رساند». (مغنیه، ۱۴۲۵ ق، ص ۴۹۳)

برخی از تفاسیر شیعی نیز این رأی را همانند تفسیر آیه به از پشت سر دیدن نماز گزاران، به عنوان معنای احتمالی و از قبیل معنای بطنی دانسته اند (مکارم، نمونه، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۵، ص ۳۷۱). برخی از مفسران شیعی نیز با تعبیر «قیل»، این دیدگاه را به نقل از دیگران مطرح ساخته و بر آن، از نظر عمومیت مصداقی، اشکال وارد کرده اند. صاحب تفسیر من وحی القرآن می گوید:

«شیعه به این آیه استدلال نموده است؛ اما بعضی از آباء پیامبر، این چنین (از نسل پیامبران پیشین) نبوده اند؛ پس قضیه به صورت جزئی، درست است؛ یعنی نسل آن حضرت، گاه در اصلااب انبیا بوده، ولی مفید عموم نیست». (فضل الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۷، ص ۱۷۳)

صدیق حسن خان نیز در تفسیر خود، اشکال کفر برخی از نیاکان پیامبر را چنین پاسخ داده است:

«و بر این استدلال، نقض وارد کرده اند که آزر، پدر ابراهیم، بر اساس آیات قرآن، کافر بوده است؛ ولی برخی از صاحبان این تفسیر، پاسخ داده اند که آزر، عموی حضرت ابراهیم بوده است نه پدر وی؛ ولی این پاسخ، ضعف آشکاری دارد. برخی دیگر چنین جواب داده اند که در آبا و اجداد پیامبر تا آن زمان که نور پیامبر در وجود آن ها نهفته بوده، هرگز شرک راه نیافته است، خواه در پدران و خواه در مادرانش؛ ولی آن گاه که نور وجودی پیامبر از وجود او به نفر بعد منتقل می شده، ممکن است که به عبادت غیر خداوند پرداخته باشد. در مورد آزر نیز وی به عبادت بتان پرداخت مگر زمانی که نور وجودی ابراهیم از او انتقال یافت. اما قبل از انتقال نور ابراهیم، جز خداوند را بندگی نکرد. حفاوی این مطلب را بیان کرده است». (صدیق حسن خان، ۱۴۲۰ ق، ج ۵، ص ۱۰۵)

برخی از ناقدان، به روایات مورد استناد شک وارد کرده اند؛ هم چون صاحب التفسیر الحدیث که این تفسیر را به عنوان یک قول آورده و روایات آن را عجیب دانسته، می گوید:

«ما در روایت، توقف می کنیم». (نک: عزه دروزه، ۱۳۸۱ ش، ج ۳، ص ۲۷۰)

برخی از منابع اهل سنت نیز با انتساب این دیدگاه به مفسران شیعه، آن را بر نتافته، یا آن را قول ممدوحی نمی دانند و یا سکوت در مورد دلالت آیه بر موحد بودن را برگزیده اند؛ هم چون صاحب تفسیر غرائب القرآن که می گوید:

«شیعه به این آیه استدلال کرده که اجداد پیامبر (ص) کافر نبوده‌اند، اما اهل سنت در این تأویل و در صحت حدیث، مناقشه کرده‌اند؛ اما قول درست نزد من این است که به منع مثل این ادعا، مشغول نشویم؛ علاوه بر این که از عدم دلیل، عدم مدلول، لازم نمی‌آید». (نظام الاعرج، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۲۸۸)

۶. نتیجه

در بررسی دلالت آیه بر توحید پدران پیامبر، نخست باید شواهد درون‌متنی آیه را بررسی کرد؛ زیرا برخی از مفسران هم‌چون شیانی، با عنایت به معنای واژگان و ترکیب جمله (شیانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۰۳) و ابن شهر آشوب، بر اساس سیاق، دلالت آیه بر دیدگاه چهارم را مدلل ساخته‌اند؛ چنان که ابن شهر آشوب، با تصریح بر دلالت آیه، این گونه استدلال می‌کند: «آیه در مقام امتنان بر آن حضرت است؛ اگر مقصود از ساجدین، سجده‌کنندگان بت‌ها باشد، هرگز خداوند بر آن حضرت، با این مطلب منت نمی‌گذارد؛ چون منت گذاشتن با کفر بر پیامبر، کاری ناروا و قبیح است و پیامبر (ص) خود فرمود: «لَمْ يَزَلْ يَنْقُلْنِي اللَّهُ مِنَ الْأَجْيَاءِ الْأَخْيَارِ وَالْأُمَمَاتِ الطَّوَاهِرِ»؛ در حالی که کافر، هرگز به طهارت موصوف نمی‌گردد؛ چون خداوند فرموده است: «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ»؛ مشرکان، نجس هستند». (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ش، ج ۲، ص ۲۱)

به نظر نگارندگان، بر اساس شواهد درون‌متنی پیش‌گفته، ظهور معنای واژگان و ترکیب آن در آیه، در معنای «گردش نسلی در صلب نیاکان یکتاپرست»، به مراتب از معنای «همراهی با سجده‌کنندگان» (صنعانی، عبدالرزاق، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۶۶؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۲۸؛ قراء، ۱۹۸۰م، ج ۲، ص ۲۸۵؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۹، ص ۷۶) و یا دیدن آن‌ها از پشت سر، ظهور بیش‌تری دارد؛ زیرا با معنای تقلب و به ویژه با کاربرد حرف «فی» پس از آن، تناسب بیش‌تری دارد؛ بلکه شاید بتوان گفت: وجه منحصر معنایی آیه است؛ چنان که صاحب تلخیص البیان فی مجازات القرآن، کاربرد این واژه در معنای گردانیدن تو در سجده‌کنندگان یا دیدن پشت سر را از قبیل استعاره دانسته و پس از نقل رأی چهارم از برخی از شیعیان، آن را تنها راه خروج آیه از معنای استعاره‌ای معرفی نموده است (شریف الرضی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۵۸). هم‌چنین فهم برخی از صحابه و تابعین، اغلب مفسران شیعه و

بسیاری از اهل سنت، به استناد دلالت مفردات و جمله فوق، بر دلالت واژگانی و استعمالی آن بر موحد بودن اجداد پیامبر، قرینه‌ای تأییدی بر این دلالت دارد؛ برای نمونه، ابن عباس در روایت عطا و عکرمه و مفسری هم‌چون ابن جبیر، این معنا را برای آیه بر شمرده‌اند. (اندلسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۸، ص ۱۹۸)

به علاوه به نظر می‌رسد اگر هم‌چون برخی از مفسران، استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد را مجاز بدانیم یا به وجه گوناگون معنایی یک لفظ در استعمالات قرآنی رأی بدهیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۵، ص ۳۶۹)، اگر دلالت آیه بر توحید پدران را معنای اظهر و منحصر ندانیم، دست کم می‌توان گفت یکی از وجه معنایی قابل اعتنای این بخش از آیه، موحد بودن اجداد پیامبر (ص) است.

افزون بر قراین درون‌متنی پیش گفته، فراوانی روایات فریقین در دلالت آیه بر یکتاپرستی نیاکان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و اعتماد محدثان و مفسران به آن‌ها به ویژه محدثان و مفسران صحابی و متقدم، شاهی برون‌متنی، بلکه دلیلی مهم بر دلالت آیه بر توحید پدران و اجداد پیامبر (ص) و اهل بیت گرامی آن حضرت (ع) است؛ زیرا این روایات، به فراوانی در منابع اهل سنت از محدثانی هم‌چون: ابن ابی عمر العدنی در مسندش و بزار، ابن ابی حاتم، طبرانی، ابن مردویه و بیهقی به نقل از مجاهد و ابن مردویه و ابونعیم در کتاب *الدلائل* از ابن عباس نقل شده است (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۹۸). در منابع روایی و تفسیری شیعه نیز این روایات، از پیامبر (ص)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) به صورتی متواتر، نقل شده و صحت پاره‌ای، بلکه اغلب آن‌ها، اعتماد محدثان و مفسران بر آن‌ها را در پی داشته است.

از نظر دلالت روایات تفسیری پیش گفته نیز اتقان دلالتی و صحت و مستدل بودن محتوا و مفاد آن روایات نزد شیعیان و اغلب اهل سنت، تا آن حد است که مفسرانی که در دلالت شواهد درون‌متنی بر دیدگاه چهارم، یا سند روایات تفسیری پیش گفته، تردید داشتند، به درستی مطلب و محتوای این روایات، اذعان نموده (نک: آل غازی، ۱۳۸۲ ش، ج ۲، ص ۳۰۲)؛ بلکه برخی از دانشمندان اهل سنت، عدم اعتقاد به موحد بودن پدران پیامبر را به مثابه کفر شناساندند. (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۰، ص ۱۳۴)

بدین سان شواهد برون‌متنی نیز دلالت آیه بر توحید اجداد پیامبر را وجهی قابل اعتماد ساخته است. به همین جهت می‌توان گفت: مفسرانی که دیدگاه «دلالت آیه بر توحید پدران پیامبر (ص)» را با عنوان «قیل» یا با صرف انتساب آن دیدگاه به شیعه، مطرح ساخته‌اند و بدون ذکر هیچ اشکالی بر آن، در مورد آن داوری نکرده، بلکه سکوت نموده‌اند، حداقل امکان دلالت آیه بر موحد بودن را به عنوان یکی از وجوه تفسیری آیه پذیرفته و بر نبود هیچ مستمسکی بر رد این دلالت، اذعان کرده‌اند. شاهد این استنباط و تحلیل، گفته تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان است که پس از انتساب دیدگاه دلالت آیه، به شیعه و نقل دلایل دلالت، پرداختن به آن و نیز در بقعه امکان قرار دادن این تفسیر را امری برتر می‌شمارد و اصل مدعای شیعیان در موحد بودن اجداد پیامبر و اهل بیت را نیز منتفی نمی‌داند. (نظام الاعرج، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۲۸۸)

هم‌چنین توجه به این نکته ضروری است: چنان‌که در بررسی مخالفان دلالت آیه بر توحید آبا و اجداد پیامبر و اهل بیت گفته شد، برای مخالفت‌ها، دلیلی وجود ندارد و استدلالی آورده نشده است؛ بلکه بر ظهور ادعایی واژگان و جمله‌نمایی آیه بر دیدگاه برگزیده خودشان، اکتفا شد که نافی دیدگاه چهارم نیست؛ بدین رو، پاره‌ای از مخالفت‌ها، به علت انتساب این نظریه به شیعیان و بدون آوردن دلیل، از دواعی ناموجه و گاه از تعصبات فردی و فرقه‌ای، حکایت دارد. بر این اساس، بررسی‌های این پژوهش، نشان داد که توجه به شواهد درون‌متنی آیه و دلایل برون‌متنی آیه هم‌چون روایات فریقین و اعتماد صحابی‌ان، مفسران و محدثان بر آن‌ها نیز صحت و مستدل بودن محتوا و مفاد روایات، فهم موحد بودن اجداد پیامبر (ص) و اهل بیت گران قدر آن حضرت از آیه، نه تنها خلاف ظاهر آیه نیست و هیچ استبعادی ندارد، بلکه برابر رأی بسیاری از قرآن‌پژوهان شیعی و اهل سنت، وجه منحصر یا بهترین و مناسب‌ترین مراد استعمالی الفاظ جمله «وَتَقَبَّلَكَ فِي السَّاجِدِينَ»، همان دیدگاه چهارم یعنی موحد بودن آبا و اجداد پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است. گفتنی است دیدگاه سوم که بر اساس پاره‌ای از روایات، در تفاسیر روایی شیعی بیان شده، نه تنها با دیدگاه دلالت آیه بر توحید پدران پیامبر، هم‌سویی و تعاضد معنایی دارد، بلکه آن را توسعه مصداقی بخشیده است. بدین سان این نوشتار، بر دلالت این بخش از آیه، بر یکتاپرستی نیاکان پیامبر اکرم (ص) صحه گذارده، آن را تأیید می‌نماید؛ گرچه احتمال نخست و دوم را به عنوان وجوه دیگر معنا و مراد آیه، رد نمی‌کند.

منابع

قرآن کریم

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، چاپ اول، لبنان: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، بی تا.
۳. ابن ابی جامع، علی بن حسین، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز (عاملی)، چاپ اول، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، چاپ سوم، عربستان: مکتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ق.
۵. ابن ادریس، محمد بن احمد، المنتخب من تفسیر القرآن و النکت المستخرجة من کتاب التبیان، چاپ اول، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۷. ابن عجبیه، احمد، البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید، چاپ اول، محقق: حسن عباس زکی، قاهره: بی نا، ۱۴۱۹ق.
۸. ابن عربی، محمد بن علی، تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۹. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ق.
۱۰. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۴۰۸ق.
۱۱. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، چاپ اول، محقق: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۰۹ق.
۱۲. طیب، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، محقق: عبدالحسین اسلام، تهران: بی نا، ۱۳۷۸ق.
۱۳. آل غازی، عبدالقادر، بیان المعانی، چاپ اول، دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ش.
۱۴. امین، نصرت بیگم، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، چاپ اول، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۵. اندلسی، ابوحیان، البحر المحيط فی التفسیر، لبنان: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم: موسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلامية، ۱۴۱۵ق.
۱۷. بروجردي، محمدابراهیم، تفسیر جامع، چاپ ششم، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۶۶ش.
۱۸. پانی پتی، ثناء الله، التفسیر المظهری، پاکستان: مکتبه رشديه، ۱۴۱۲ق.
۱۹. ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.

۲۰. جزایری، نعمت‌الله بن عبدالله، عقود المرجان في تفسير القرآن، چاپ اول، قم: نور وحی، ۱۳۸۸ ش.
۲۱. حائری طهرانی، علی، مقتنیات الدرر، چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۳۸ ش.
۲۲. حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، چاپ اول، تهران: لطفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. خازن، علی بن محمد، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل في معاني التنزیل، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ ق.
۲۴. خطیب شربینی، محمد بن احمد، تفسیر الخطیب الشربینی المسمی السراج المنیر، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۵ ق.
۲۵. خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، چاپ اول، بیروت: دارالفکر العربی، ۱۴۲۴ ق.
۲۶. خواجه عبدالله انصاری، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۲۷. دینوری، عبدالله بن محمد، تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۴ ق.
۲۸. سلطان علی‌شاه، سلطان محمد بن حیدر، بیان السعادة في مقامات العبادة، بیروت: مؤسسة الأعلمیة للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.
۲۹. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ ق.
۳۰. سیدکریمی حسینی، عباس، تفسیر علین، قم: اسوه، ۱۳۸۲ ش.
۳۱. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی‌بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۳۲. شاه‌عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنا عشری، تهران: میقات، ۱۳۶۳ ش.
۳۳. شهرآشوب، محمد بن علی، مشابه القرآن و مختلفه، قم: بیدار، ۱۳۶۹ ش.
۳۴. شبیبانی، محمد بن حسن، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، قم: نشر الهادی، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. شیعی قشیری، عبدالکریم بن هوازن، لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم، چاپ سوم، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۲۰۰۰ م.
۳۶. صادقی تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، چاپ اول، قم: مکتبه محمد الصادق الطهرانی، ۱۴۱۹ ق.
۳۷. -----، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، چاپ دوم، قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۳۸. صاوی، احمد بن محمد، حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین، چاپ چهارم، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۷ ق.
۳۹. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق، لبنان: دارالمعرفة، ۱۴۱۱ ق.
۴۰. صدیق حسن خان، محمد صدیق، فتح البیان فی مقاصد القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۰ ق.
۴۱. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.

۴۲. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق.
۴۳. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۴۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، چاپ اول، تهران: مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵ش.
۴۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۶. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۴۷. عزه دروزه، محمد، التفسیر الحدیث، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۱ش.
۴۸. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۴۹. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ق.
۵۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
۵۱. -----، الاصفی فی تفسیر القرآن، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۳۷۶ش.
۵۲. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن (فراء)، چاپ دوم، قاهره: هیئة المصریة العامة للكتاب، ۱۹۸۰م.
۵۵. قرشی بنابی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، چاپ دوم، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۵ش.
۵۶. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم، چاپ سوم، قاهره: هیئة المصریة العامة للكتاب، ۲۰۰۰م.
۵۷. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۸ش.
۵۸. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، زبدة التفاسیر، قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة، ۱۴۲۳ق.
۵۹. -----، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، بی تا.
۶۰. کاشانی، محمد بن مرتضی، تفسیر المعین، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ق.
۶۱. ابن عبدالسلام، عبدالعزيز بن عبدالسلام، تفسیر العز بن عبد السلام، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۹ق.
۶۲. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، چاپ اول، تهران: مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ق.
۶۳. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۶۴. محمد بن حسین، تلخیص البیان فی مجازات القرآن، چاپ دوم، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۶ق.
۶۵. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمان، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، اردن: دارالفکر، ۱۴۳۰ق.
۶۶. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، قم: دارالکتب الإسلامی، ۱۴۲۴ق.
۶۷. -----، التفسیر المبین، چاپ سوم، قم: دارالکتب الإسلامی، ۱۴۲۵ق.
۶۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.

۶۹. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۷۰. میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
۷۱. نظام الاعرج، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۶ق.
۷۲. نهاوندی، محمد، نفحات الرحمان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه البعثة، ۱۳۸۶ش.
۷۳. نووی، محمد، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۷ق.

Bibliography

The Noble Qur'ān.

Other References

- 'Arousi Howayzi, 'Abd 'Ali Ibn Jom'ah, *Nour al-Thaqalayn*, 4th ed., Qom: Ismā'iliyān, 1415 A.H.
- 'Ezzah Darouzah, Mohammad, *al-Tafsir al-Hadith*, Cairo: Dār Ehyā' al-Ketāb al-'Arabiyah, 1381 S.H.
- Abolfotouh Rāzi, Hosayn Ibn 'Ali, *Rawz al-Jenān va Rouh al-Janān fi Tafsir al-Qur'ān*, 1st ed., Mashhad: Islamic Researches Foundation.
- 'Ajibah, Ahmad, *al-Bahr al-Madid fi Tafsir al-Qur'ān al-Majid*, 1st ed., Researched by Hasan 'Abbās Zakki, Cairo: N.N, 1419 A.H.
- Āl Ghāzi, 'Abd al-Qāder, *Bayān al-Ma'āni*, 1st ed., Damascus: al-Taraqqi, 1382 S.H.
- Ālousi, Mahmoud Ibn 'Abdollah, *Rouh al-Ma'āni fi Tafsir al-Qur'ān al-'Azim va Sab' al-Mathāni*, 1st ed., Lebanon: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, Manshourāt Mohammad 'Ali Bizoun, 1415 A.H.
- Amin, Nosrat Beygom, *Tafsir Makhzan al-'Erfān dar 'Oloum-e Qur'ān*, 1st ed., N.P: N.N.
- Andelosi, Abou Hayyān, *al-Bahr al-Mohit fi al-Tafsir*, Lebanon: Dār al-Fekr, 1420 A.H.
- Bahrāni, Hāshem Ibn Solaymān, *al-Borhān fi Tafsir al-Qur'ān*, 1st ed., Qom: al-Be'thah, al-Derāsāt al-Islāmiyah, 1415 A.H.
- Boroujerdi, Mohammad Ibrāhīm, *Tafsir-e Jāme'*, 6th ed., Tehran: Sadr, 1366 S.H.
- Dinwari, 'Abdollah, Ibn Mohammad, *Tafsir Ibn Vahab al-Mosammā al-Vāzeh fi Tafsir al-Qur'ān al-Karim*, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, Manshourāt Mohammad 'Ali Bizoun, 1424 A.H.
- Fakhr Rāzi, Mohammad Ibn 'Omar, *al-Tafsir al-Kabir (Maḥfātih al-Ghayb)*, 3rd ed., Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, 1420 A.H.
- Farrā', Yahyā Ibn Ziyād, *Ma'āni al-Qur'ān (Farrā')*, 2nd ed., Cairo: al-'Āmmah lel-Ketāb, 1980.
- Fazl Allāh, Mohammad Hosayn, *Men Wahy al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Melāk, 1419 A.H.
- Feyz Kāshāni, Mohammad Ibn Shāh Mortazā, *al-Asfā fi Tafsir al-Qur'ān*, Qom: Daftar Tablighāt Hawzah 'Elmiyah, 1376 S.H.

- Feyz Kāshāni, Mohammad Ibn Shāh Mortazā, *Tafsir al-Sāfi*, Tehran: al-Sadr, 1415 A.H.
- Hā'eri Tehrāni, 'Ali, *Moqtaniyāt al-Dorr*, 1st ed., Tehran: Dār al-Kotob al-Islāmiyah, 1338 S.H.
- Hosayni Hamedāni, Mohammad, *Anwār-e Derakhshān dar Tafsir-e Qur'ān*, 1st ed., Tehran: Lotfi, 1404 A.H.
- Ibn 'Abd al-Salām, 'Abd al-'Aziz Ibn 'Abd al-Salām, *Tafsir, al-'Aziz Ibn 'Abd al-Salām*, 1st ed., Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, Manshourāt Mohammad 'Ali Bizoun, 1429 A.H.
- Ibn Abi Hātam, 'Abd al-Rahmān Ibn Mohamad, *Tafsir al-Qur'ān al-'Azim*, 3rd ed., Saudi Arabia: Nazār Mostafā al-Bāz, 1419 A.H.
- Ibn Abi Jāme', 'Ali Ibn Hosayn, *al-Vajiz fi Tafsir al-Qur'ān al-'Aziz ('Āmeli)*, 1st ed., Qom: Dār al-Qur'ān al-Karim, 1413 A.H.
- Ibn 'Arabi, Mohammad Ibn 'Ali, *Tafsir Ibn 'Arabi (Ta'wilāt 'Abd al-Razzāq)*, 1st ed., Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi.
- Ibn Idris, Mohammad Ibn Ahmad, *al-Montakhab men Tafsir al-Qur'ān va al-Nokat al-Mostakhrajah men Ketāb al-Tebyān*, 1st ed., Qom: Public Library of Āyatollāh Mar'ashi Najafi, 1409 A.H.
- Ibn Jozay, 'Abd al-Rahmān Ibn 'Ali, *Zād al-Masir fi 'Elm al-Tafsir*, Beirut: Dār al-Ketāb al-Arabi, 1422 A.H.
- Ibn Kathir, Ismā'il Ibn 'Omar, *Tafsir al-Qur'ān al-'Azim*, 1st ed., Beirut: Dār al-Kotob al-Elmiyah, Manshourāt Mohammad 'Ali Bizoun, 1419 A.H.
- Ibn Manzour, Mohammad Ibn Mokarram, *Lesān al-'Arab*, Beirut: Dār Dāder, N.D.
- Istar Ābādi, 'Ali, *Ta'wil al-Āyat al-Zāherah fi Fazā'el al-'Etrah al-Tāherah*, 1st ed., Researched by Jemā'ah al-Modarresin fi Hawzah al-'Elmiyah Qom, Qom: al-Nashr al-Islāmi, 1409 A.H.
- Jazāyeri, Ne'matollah Ibn 'Abdollah, *Oqoud al-Marrjān fi Tafsir al-Qur'ān*, 1st ed., Qom: Nour-e Wahy, 1388 S.H.
- Jorjāni, 'Abd al-Qāher Ibn 'Abd al-Rahmān, *Darj al-Dorr fi Tafsir al-Qur'ān al-'Azim*, Jordan: Dār al-Fekr, 1430 A.H.
- Kāshāni, Fathollāh Ibn Shokrollāh, *Menhaj al-Sādeqin fi Elzām al-Mokhālefin*, Tehran: Islāmiyah Book Store, N.D.
- Kāshāni, Fathollāh Ibn Shokrollāh, *Zobdat al-Tafāsir*, Qom: al-Ma'āref al-Islāmiyah, 1423 A.H.
- Kāshāni, Mohammad Ibn Mortazā, *Tafsir al-Mo'in*, Qom: Public Library of Hazrat Āyatollāh Mar'ashi Najafi, 1410 A.H.
- Khāja 'Abdollah Ansāri, *Kashf al-Asrār va 'Oddat al-Abrār*, Tehran: Amir Kabir, 1371 S.H.
- Khatib Sharbini, Mohammad Ibn Ahmad, *Tafsir al-Khatib al-Sharbini al-Mosammā al-Serāj al-Monir*, 1st ed., Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, Manshourāt Mohammad 'Ali Bizoun, 1425 A.H.
- Khatib, 'Abd al-Karim, *al-Tafsir al-Qur'āni lel-Qur'ān*, 1st ed., Beirut: Dār al-Fekr al-'Arabi, 1424 A.H.
- Khāzen, 'Ali Ibn Mohammad, *Tafsir al-Khāzen al-Mosammā le-Bāb al-Ta'wil fi Ma'āni al-Tanzil*, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, Manshourāt Mohammad 'Ali Bizoun, 1415 A.H.
- Koufi, Forāt Ibn Ibrāhim, *Tafsir Forāt al-Koufi*, Ministry of Islamic Culture and Guidance, Tehran: a-Tab' va al-Nashr, 1410 A.H.

- Makārem Shirāzi, Nāser, *Tafsir-e Nemouneh*, 10th ed., Tehran: Dār al-Kotob al-Islāmiyah, 1371 S.H.
- Makārem Shirāzi, Nāser, *Tafsir-e Nemouneh*, Tehran: Dār al-Kotob al-Islāmiyah, 1371 S.H.
- Maqātel Ibn Solaymān, *Tafsir Maqātel Ibn Solaymān*, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth, 1423 A.H.
- Marāghi, Ahmad Mostafā, *Tafsir al-Marāghi*, Beirut: Dār al-Fekr, N.D.
- Meybodi, Ahmad Ibn Mohammad, *Kashf al-Asrār va 'Oddat al-Abrār*, 5th ed., Tehran: Amir Kabir, 1371 S.H.
- Moghniyah, Mohammad Javād, *Tafsir al-Kāshef*, Qom: Dār al-Ketāb al-Islāmi, 1424 A.H.
- Moghniyah, Mohammad Javād, *Tafsir al-Mobin*, 3rd ed., Qom: Dār al-Ketāb al-Islāmi, 1425 A.H.
- Mohammad Ibn Hosayn, *Talkhis al-Bayān fi Mojāzāt al-Qur'ān*, 2nd ed., Beirut: Dār al-Azwā', 1406 A.H.
- Nahāvandi, Mohammad, *Nafahāt al-Rahmān fi Tafsir al-Qur'ān*, Qom: al-Be'thah Institute, Markaz al-Tebā'ah va al-Nashr, 1386 S.H.
- Nawawi, Mohammad, *Marāh Labid Le-Kashf-e Ma'āni al-Qur'ān al-Majid*, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, Manshourāt Mohammad 'Ali Bizoun, 1417 A.H.
- Nezām al-A'raj, Hasan Ibn Mohammad, *Tafsir Gharā'eb va Raghā'eb al-Forqān*, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, Manshourāt Mohammad 'Ali Bizoun, 1416 A.H.
- Pānipati, Thanā' Allāh, *al-Tafsir al-Mazhari*, Pakistan: Roshdiyah, 1412 A.H.
- Qarshi Bonābi, 'Ali Akbar, *Tafsir Ahsan al-Hadith*, 2nd ed., Tehran: Be'that, 1375 S.H.
- Qashiri, 'Abd al-Karim Ibn Havāzen, *Latā'ef al-Ishārāt: Tafsir Soufi Kāmel lel-Qur'ān* al-Karim, 3rd ed., Cairo: al-'Āmmah lel-Ketāb, 2000.
- Qomi Mashhadi, Mohammad, *Tafsir Kanz al-Daqā'eq va Bahr al-Gharā'eb*, Tehran: Ministry of Islamic Culture and Guidance, Sāzmān-e Chāp va Nashr, 1368 S.H.
- Sādeqi Tehrāni, Mohammad, *al-Balāgh fi Tafsir al-Qur'ān bel-Qur'ān*, 1st ed., Qom: Maktabah Mohammad al-Sādeqi al-Tehrāni, 1419 A.H.
- Sādeqi Tehrāni, Mohammad, *al-Forqān fi Tafsir al-Qur'ān bel-Qur'ān va al-Sonnah*, 2nd ed., Qom: Farhang-e Islāmi.
- Samarqandi, Nasr Ibn Mohammad, *Tafsir al-Samarqandi al-Mosammā Bahr al-'Oloum*, 2nd ed., Beirut: Dār al-Fekr, 1416 A.H.
- San'āni, 'Abd al-Razzāq Ibn Homām, *Tafsir al-Qur'ān al-'Aziz al-Mosammā Tafsir 'Abd al-Razzāq*, Lebanon: Dār al-Ma'refah, 1411 A.H.
- Sāvi, Ahmad Ibn Mohammad, *Hāshiyah al-Sāvi 'alā Tafsir al-Jalālin*, 4th ed., Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, Manshourāt Mohammad 'Ali Bizoun, 1427 A.H.
- Sediq Hasan Khān, Mohammad Sediq, *Fath al-Bayān fi Maqāsed al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, Manshourāt Mohammad 'Ali Bizoun, 1420 A.H.
- Seyyed Karimi Hosayni, 'Abbās, *Tafsir 'Elliyin*, Qom: Oswah, 1382 S.H.
- Shāh 'Abd al-'Azimi, Hosayn, *Tafsir Athnā 'Ashari*, Tehran: Miqāt, 1363 S.H.
- Shahr Āshoub, Mohammad Ibn 'Ali, *Motashābeh al-Qur'ān va Mokhtalefah*, Qom: Bidār, 1369 S.H.
- Sheybāni, Mohammad Ibn Hasan, *Nahj al-Bayān 'an Kashf Ma'āni al-Qur'ān*, Qom: Nashr al-Hādī, 1413 A.H.
- Shi'i Qashiri, 'Abd al-Karim Ibn Havāzen, *Latā'ef al-Ishārāt: Tafsir Soufi Kāmel lel-Qur'ān* al-Karim, 3rd ed., Cairo: al-'Āmmah lel-Ketāb, 2000.

- Soltān 'Ali Shāh, Soltān Mohammad Ibn Heydar, *Bayān al-Sa'ādah fī Maqāmāt al-'Ebādah*, Beirut: lel-Matbou'āt, 1408 A.H.
- Soyouti, 'Abd al-Rahmān Ibn Abi Bakr, *al-Dorr al-Manthour fī al-Tafsir bel-Ma'thour*, Qom: Public Library of Āyatollāh Mar'ashi Najafi, 1404 A.H.
- Tabari, Mohammad Ibn Jarir, *Jāme' al-Bayān fī Tafsir al-Qur'ān (Tafsir al-Tabari)*, Beirut: Dar al-Ma'refah, 1412 A.H.
- Tabarsi, Fazl Ibn Hasan, *Tafsir Jawāme' al-Jāme'*, Qom: Howzeh 'Elmiah Qom, 1412 A.H.
- Tabātabā'i, Mohammad Hosayn, *Tafsir al-Mizān*, Translated by Seyyed Mohammad Bāqer Mousawi Hamedāni, 5th ed., Qom: Islamic Publication of Jāme'ah Modarresin Howza 'Elmia Qom, 1374 S.H.
- Tarihi, Fakhr al-Din Ibn Mohammad, *Majma' al-Bahreyn*, 1st ed., Beirut: al-Mortazawiyah, 1375 S.H.
- Tayyeb, *Atyab al-Bayān fī Tafsir al-Qur'ān*, Researched by 'Abd al-Hosayn Islām, Tehran: N.N, 1378 A.H.
- Tha'labi, Ahmad Ibn Mohammad, *al-Kashf va al-Bayān l-Ma'rouf Tafsir al-Tha'labi*, 1st ed., Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, 1422 A.H.
- Tousi, Mohammad Ibn Hasan, *al-Tebyān fī Tafsir al-Qur'ān*, Edited by Ahmad Habib 'Āmeli, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, N.D.



فهرست مقالات

- ۹..... بررسی تطبیقی رویکرد وثاقت خبری و وثاقت مخبری به احادیث اهل بیت (ع) و نقش آن در تفسیر قرآن کریم
علی عبدالله زاده | مهدی ایزدی
- ۳۳..... بررسی فضای نزول آیه وارثان زمین با تکیه بر تفاسیر فریقین
فاطمه باباعلی | محمد مهدی تقدیسی | جعفر نکونام
- ۶۱... بررسی تحلیلی آراء قرآن پژوهان فریقین در دلالت آیه ۲۱۹ سورة شعراء بر یکتاپرستی نیاکان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) ..
علی محمدی آشنانی | اکرم ناطق | حسین علوی مهر
- ۸۵..... تفسیر تطبیقی آیه ۱۵۹ سورة نساء و ارتباط آن با نزول حضرت عیسی (ع)
سعید توسلی خواه | دکتر ابراهیم ایزدخواه
- ۱۰۱..... نظریه پردازی تطبیقی درباره عصمت پیامبر اکرم (ص) از نائبرگذاری بر وحی
دکتر مصطفی کریمی | صدیقه پروان
- ۱۲۹..... تحلیل انتقادی دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله معرفت درباره بطن قرآن کریم
دکتر مهیار خانی مقدم | دکتر سیده سعیده غروی
- ۱۶۱..... بازخوانی آیه *وَلَا تَقْلُوبُوا يٰۤاٰیْدِيْكُمْ اِلٰی التَّهْلُكَةِ* با رویکرد پیوستگی و استقلال آیات
محمد بهرامی
- ۱۸۱..... گستره معرفتی قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی
سلیمان خاکبان
- ۲۰۷..... بررسی و تحلیل تفسیری داستان سلیمان (ع) و ملکه سبا در نگاه قرآن کریم و تطبیق آن با عهد قدیم
سید حسین حسینی بجدنی | مهدی مهریزی طرقي | سید محمد باقر حجتی | عنایت شریفی
- ۲۳۳..... بررسی قرآنی دیدگاه فمینیست های مسلمان و فمینیست های غربی در فرزندآوری
زینب شمس | طلعت حسنی
- ۲۶۹..... بررسی تطبیقی آراء مفسران در تفسیر «هٰذَا رَجِی» در آیات ۷۶ تا ۷۹ سورة انعام با تکیه بر ارتباط آیات
محمد حسین برومند | امیر جودوی | سامیه شهبازی
- ۲۹۷..... تحلیل تطبیقی عملکرد تفسیری فخر رازی و آلوسی در مساله جسم انگاری خداوند
محمد بزرگزاده | حسین خاکپور | ابراهیم نوری
- ۳۲۳..... بررسی و نقد دیدگاه مفسران درباره آیه ۱۲۰ سورة انعام (تحلیلی از ظاهر و باطن ائم)
رضا مهدیان فر | سید محمود طیب حسینی

